

آمیولانس

عالمی رسما بارمسوولیت را از دوش مسوولان برداشت



پوریا عالمی

● مدیر روابط‌عمومی اورژانس تهران خودش را انداخت جلو آمبولانس و گفت: «تکنیسین‌های اورژانس تهران موفق شدند به طرز معجزه‌آسایی یک مصدوم را که روی خط مترو سقوط کرده بود از زیر چرخ‌های مترو نجات دهند.»

حق هم دارند. نه که تا الان و در این چندسال اورژانس و آتش‌نشانی به‌جای اینکه به ما کمک کنند ما باید بهشان کمک می‌کردیم، مثلا باید سه‌دقیقه بیشتر می‌توانستیم هنگام آتش‌سوزی لبه پنجره خودمان را نگه داریم تا از سوزی دانشمندان متهم به «ناتوانی در استقرار مستحکم خود لب پنجره حین آتش‌سوزی» نشویم. خلاصه حالا که اورژانس تهران توانسته یک نفر را نجات دهد، خودشان هم باورشان نشده و معتقدند این اتفاق «به‌طرز معجزه‌آسایی» افتاده است. یعنی چی؟ یعنی اگر واقعا دست ما بود، کار تمام بود.

الان ممکن است فکر کنید آمبولانس‌چی با اورژانس و آتش‌نشانی و شهرداری و دولت و مسوولان و مدیران و نمایندگان و کی‌وکی پدرکشتگی دارد. ولی واقعا ما پدرکشتگی نداریم. ما فقط می‌گوییم آقا ما نمی‌گوییم وزیر اقتصاد زاین به‌خاطر تخلف مالی زیردستش هاراگیری کند، ما فقط می‌گوییم شمشیر هاراگیری را به صورت نمادین هم شده بزنید به دیوار.

حالا هم واقعا، رسما، غُرفا، عمیقا، قلبا، درونا، ذاتا، بالاغیرتا، انصافا و حقیقتا می‌خواهیم از اورژانس تهران تشکر و تقدیر کنیم که خودشان می‌دادند جریان چیست و به معجزه‌آسایبودن اقدام صورت‌گرفته معترف هستند. چرا تقدیر می‌کنیم؟ چون تا الان اینجای اینظوری بوده که باد می‌آمده می‌گفتند ما هوای کثیف تهران را تمیز کردیم، دلار می‌رفته بالا، می‌گفتند ما رونق اقتصادی ایجاد کردیم، هی قطعنامه می‌دادند و می‌گفتند ما رویشان تاثیر گذاشتیم. والا اینظوری بوده. یعنی طرف توپ می‌خورد به پاش می‌رود توی گل، شروع می‌کند لباس‌هایش را درمی‌آورد و شادی پس از گل می‌کند، انگار خودش گل زده. بابا معجزه‌آسایانه توپ رفته تو دروازه. ما باشیم محترمانه برمی‌گردیم سر زمین خودمان و خدا را شکر می‌کنیم. چون مطمئنیم اگر به ما بود، توپ نه‌تنها گل نمی‌شد که حتما جلو چشم همه لایسی می‌خوردیم و توپ از این رومان رد می‌شد و از آن‌ور می‌آمد بیرون و مردم دست می‌گرفتند و می‌گفتند لایب‌خورها.

خلاصه، ما الان معلوم نشد پنبه کی را زدیم. درستش هم همین است. آدم یک‌طوری پنبه بزند که معلوم نباشد مال کی را زده. یعنی اصولا باید یک‌طوری زد که جاش نماند.

حالا واقعا ما رسما می‌خواهیم از اورژانس تهران، مترو تهران، آتش‌نشانی تهران، شهرداری تهران، بقالی تهران، علاءالدین تهران، هدایتی تهران، انصاری تهران، زنجانی تهران، انحرافی تهران، دوربرگردان تهران، زیر پل پارک‌روی تهران، چهارراه شاپور تهران، میدان پاستور تهران و باقی جاها و مسوولان ... تهران تشکر و تقدیر کنیم که توانستند معجزه‌آسا جان یک نفر را نجات بدهند، اما متمدنانه و شریفانه گفتند کار ما نبوده و فقط توپ به پایمان خورده.

حالا چرا ما اینقدر روی این موضوع اصرار داریم؟ به جان عالمی به‌خاطر خود مسوولان شهری است، چون اگر بگویند کار ما بوده، دوباره مردم توقعشان می‌رود بالا و فکر می‌کنند دفعه بعد که مساله‌ای پیش آمد، مسوولان باید از پیش برمی‌آمده‌اند. ولی الان که متوجه شدند قضیه قضاعدری بوده، توقعی هم از مسوولان ندارند. پس ما جای مسوولان باشیم، انصافا از آمبولانس‌چی تقدیر می‌کنیم و حتما سر صف بهش جایزه می‌دهیم که بار مسوولیت را از روی دوش ما برداشته است. والا.

پیشخوان

● کتاب وصف طعام(دیوان اطعمه مولانا ابواسحاق حلاج شیرازی) با ویرایش محسن آژرم بر اساس نسخه تصحیح شده میرزا حبیب اصفهانی به تازگی توسط نشر چشمه راهی بازار کتاب شده است. «نجف دریابندری» که خود «کتاب مستطاب آشپزی» را تألیف کرده، درباره «وصف طعام» می‌نویسد:«نقیضه‌های شیخ اطعمه با استادی و ظرافت بسیار ساخته شده است، تا آنجا که نگارنده می‌تواند بگوید از لحاظ تزیی طنز و شیرینی کلام در نوع خود در ادبیات جهان بی‌ماند است.»

شترق روزنامه

پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۳ • ۱۶ربیع‌الاول ۱۴۳۶ • ۸ژانویه ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۰۶ • ۲۰صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۷ • اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

دیان

motazedian.mehdi@yahoo.com

ایرنا - آتش سوزی در جنگل های پارک ملی گلستان ، مهار شد.



در همین حوالی

ایران در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا خواهد درخشید؟

بدبین اما امیدوار

داشته که هیچ‌وقت جهان روی فوتبال‌مان حسابی باز نکرده و حتی وضعیت به‌گونه‌ای ناخوشایند است که خودمان هم خودمان را قبول نداریم. این‌همه برای تقویت تیم‌ملی هزینه شده و این همه برنامه‌ریزی صورت گرفته و خب، طبعاً من هم امیدوارم این هزینه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نتیجه‌بخش باشد. پیش‌بینی احساسی‌ام از نتایج مسابقات این است که ایران اول می‌شود ولی پیش‌بینی تکنیکال و واقع‌بینانه‌ام چیز دیگری است. مسلمانا قهرمانی بسیار دشوار است و اگر محقق شود، دعای مردم اثرگذار در این رقابت‌ها کسب کند. متأسفانه شغف در جامعه ما کم است، مردم ما منتظرند تا یک اتفاق خوب فوتبالی دوباره موجی از شادی را برایشان رقم بزند. انگار با کمبود شادی مواجهیم؛ حتی وقتی تیم‌ملی ما با آرژانتین در جام جهانی خوب بازی می‌کند، باز هم خوشحال می‌شویم و به خیابان می‌آییم و حتی برای بازی باخت‌ه، ما استوارانه شادی می‌کنیم. فوتبال ما آنقدر در این سال‌ها حاشیه صعوددلخوشیم.

پیشنهاد فردا

گزارشگر، برای آنکه بتواند یک معضل یا تحول‌اجتماعی را برای خوانندگان روزنامه خود کالبدشکافی کند، یا زوایای تاریک‌خبر را روشن سازد، به سراغ مردم، مسوولان و کارشناسان می‌رود، به آرشو اسناد مراجعه می‌کند و با پرداخت هرنمونه‌ای همه آن چیزی که به‌دست آورده است، در قالب یک گزارش، افکارعمومی را به قضاوت می‌طلبد؛ مسوولان را هوشیار می‌کند؛ حساسیت جامعه را نسبت به یک معضل بالا می‌برد و با انگشت گذاشتن روی هنجارها، به تقویت آنها در جامعه می‌پردازد و به زدودن ناهنجاری‌های اجتماعی کمک می‌کند.

به همین‌دلیل نیز مطبوعات، برای گزارش،

در ایام ولادت پیامبر رحمت، پیام‌آور مهربانی، انسان‌دوستی و محبت قرار داریم؛ پیامبری که مهم‌ترین رمز موفقیت او به بیان الهی مدارا با مردم بود. امروز که متأسفانه دشمن با تولید و پرورش خشونت‌گرایان به نام اسلام، بدترین تبلیغات را علیه دین می‌کند، ما وظیفه داریم در حد توان تلاش کنیم چهره زیبا و رحمانی دین را که برای نجات و کرامت انسانی آمده به مردم معرفی کنیم؛ دینی که هدف بعثت پیامبرش را کمال اخلاقی انسانی می‌داند.

به همین مناسبت به سراغ آثار فقهی عالم و وارسته، حضرت آیت‌الله‌العظمی وحیدخراسانی دامت برکاته می‌رویم.

حضرت آیت‌الله‌العظمی وحیدخراسانی نمونه‌های زیادی از رفتار پیامبر با زنان، کودکان و عیادت از بیماران و فقرا و عبادت حضرت نقل می‌کنند که ما به ذکر چند نمونه کوتاه اکتفا می‌کنیم.

سرآمد طبیبان

اگر کسی ادعا کند که من سرآمد طبیبان جهان هستم، برای اثبات این دعوی دو راه وجود دارد:

یکی اینکه کتابی در طب ارایه دهد که علل امراض و دارو و درمان آنها را به‌گونه‌ای بنگارد که مانندش در کتب طب یافت نشود. دیگر آنکه مریضی را که مرض تمام قوا و اعضای او را فراگرفته و در آستانه مرگ است و طبیبان از علاج او عاجز شده‌اند به او بپسایزند و او بر آن تن لباس صحت و عافیت ببوشاند. پیغمبران، طبیبان فکر و جان و معالجان امراض انسانیت انسان هستند و پیغمبر اسلام سرآمد این طبیبان است. دلیل علمی او قرآنی است که مانندش را در بیان علل امراض فکری، اخلاقی و عملی انسان و درمان آنها نمی‌توان یافت و دلیل عملی آن نیز این است که او در جامعه‌ای مبتلا به بدترین امراض آدمیت ظهور کرد؛ جامعه‌ای که از جهت فکری به حدی تنزل کرده بود که هر قبیله‌ای برای خود بتی داشت، خانواده‌ها هم از خرما و حلوا برای خود معبودی می‌ساختند که صبحگاه او را سجده می‌کردند و هنگام گرسنگی الله خود را می‌خوردند.

و از جهت عاطفی از حیوانات پست‌تر بودند، که پدر با دست خود، دختر خود را با قساوت، زنده‌به‌گور می‌کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عاطفه انسانی را در آن قوم آنچنان زنده کرد که در فتح مصر، مسلمانان دیدند در یکی از خیمه‌ها مرغی آشیانه کرده است، بنابراین به هنگام رحیل برای آنکه لانه مرغ و جوجه ویران نشود خیمه را بر جای نهادند و رفتند و به این جهت شهر نباشده در آن منطقه را فسطاط نامیدند. آری باغبانی که در شوره‌زار جزیره العرب در ظرف چندسال محدود با آن‌همه ابتلا، چنان امتی را به وجود آورد که می‌تواند بگوید:

من بزرگ‌ترین باغبان بوستان انسانیتم.

برخورد پیامبر با زنی که برای کاری به خدمت پیامبر آمده بود

زنی با آن حضرت سخن می‌گفت، لرزه بر اندام زن افتاد، به او فرمود: آسان باشد بر تو، من مَلک - پادشاه - نیستم، من پسر زنی هستم که گوشت خشکیده می‌خورد.

انس بن مالک گفت: ۹سال خادم آن حضرت بودم، هرگز نگفت: چرا چنین کاری کردی؟ و هرگز بر من عیبی نگرفت.

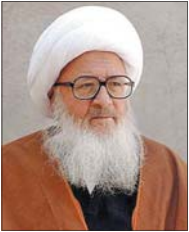
مدارای پیامبر با یهودی‌ای که در ذمه اسلام زندگی می‌کرد

یادداشت

داستان‌هایی از سیره حضرت محمد (ص) به روایت آیت‌الله وحید خراسانی

پیامبر رحمت

یدالله سعدی



در روزگاری که یهود در شرایط ذمه زندگی می‌کردند و آن حضرت در اوج اقتدار بود، شخصی یهودی چند دینار از آن حضرت طلب داشت، مطالبه کرد. آن حضرت فرمود: چیزی نزد من نیست که به تو بدهم.

یهودی گفت: من هم از تو جدا نمی‌شوم تا طلب مرا بدهی. فرمود: من با تو می‌نشینم، با یهودی نشست و نماز ظهر، عصر، مغرب و عشا، صبح را همان‌جا، به‌جا آورد؛ اصحاب آن حضرت یهودی را تهدید کردند.

فرمود: این چه رفتاری است که با او می‌کنید؟

گفتند: یا رسول‌الله، یهودی تو را حبس کند؟

فرمود: پرودگار من مرا معیوث نکرده که ظلم کنم. چون روز بلند شد، یهودی گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و قسمتی از مالم را در راه خدا دادم، به خدا قسم که این رفتار را با تو نکردم مگر برای آنکه صفت تو را در تورات ببینم.

نقل روایاتی از علی‌علیه‌السلام در زهد حضرت

عقیده‌بن‌علقمه گفت: بر علی‌علیه‌السلام وارد شدم، در مقابل آن حضرت نان خشکی بود، گفتم: یا امیرالمومنین آیا غذای تو این است؟ فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نان‌ش خشک‌تر از این و لباسش خشن‌تر از این بود، اگر به رفتار او رفتار نکنم، می‌ترسم به او ملحق شوم.

جواب امام سجاد علیه‌السلام از نسبت عبادتش به عبادت جدش

از امام علی‌بن‌الحسین‌زین‌العابدین‌علیه‌السلام از نسبت عبادتش به عبادت جدش امیرالمومنین پرسیدند، فرمود: عبادت من نزد عبادت جدم مانند عبادت جدم نزد عبادت رسول خداست.

برخورد کریمانه پیامبر(ص) با یک دخترپچه

روزی در مسجد نشسته بود، دخترپچه‌ای از انصار طرف جامه آن حضرت را گرفت، به جهت حاجت او به‌پا خاست؛ نه او چیزی گفت و نه آن حضرت پرسید چه می‌خواهی، تا چهارمرتبه این کار تکرار شد، مرتبه‌چهارم رشته‌ای از جامه آن حضرت گرفت و رفت؛ از آن دخترپچه پرسیدند که این چه کار بود که کردی؟ گفت: اهل من مریضی دارند، مرا فرستادند که رشته‌ای از جامه حضرت برای شفا بگیرم، گره‌اک خواستم بگیرم، دیدم مرا می‌بیند، حیا کردم و کراحت داشتم که در گرفتن از آن حضرت رخصت بگیرم، تا در مرتبه‌چهارم آن رشته را از جامه گرفتم. این واقعه عنایت آن حضرت را به کرامت انسان نشان می‌دهد، زیرا به فراست، حاجت دخترک را و کراحت او را از سوال دریافت و چهارمرتبه از جا برخاست که دختر به حاجت خود برسد و از هست‌وجو و پرسش خودداری کرد که باعث کراحت خاطر و ذلت سوال او نشود.

کسی که با این دقت و ظرافت حرمت و عزت دخترکی را رعایت می‌کند، منزلت و کرامت انسان در نظر مبارک او تا چه حد است.

در پایان زندگی هم با غفو و بخشش از قاتل خود، خلق خود را به خُلق الهی که ظهور رحمت رحمانیه خداست، نشان داد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، چنین کسی می‌تواند بگوید: «أَمَّا بَعَثْتُ لَاتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». شرح فضایل اخلاقی او کجا میسر است با آنکه خداوند عظیم فرمود: «وَأَنك لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ».

آکادمی

این فیلم را ببینید

مدیریت «بنوآ دلام» فرانسوی، در تجسم ملموس روزگاری که بر «هاوکینگ» گذشته، به‌یادماندنی است. موسیقی فیلم از «یوهان یوهانتسون» ايسلندی، آهنگساز بنام است. او استادانه موسیقی این فیلم را ساخته است که لحظه‌ای به خط داستانی فیلم تحمیل نمی‌شود و به‌طور ماهرانه‌ای بر تاثیرگذاری فیلم می‌افزاید. «آنتونی ماکارتین» سناریوی فیلم را براساس خاطرات «جین وایلد» همسر سابق «هاوکینگ» نوشته است. این فیلمنامه محصول سال‌ها پژوهش و بحث‌وجدل با نویسنده کتاب و آشنایی با آثار «استیون هاوکینگ» به‌ویژه کتاب «تاریخ مختصر زمان» او است. «ماکارتین» با زیردستی از عهده این کار برآمده است. نتیجه کار دسته‌جمعی در ساختن این فیلم نشان می‌دهد که چگونه می‌توان علم را با هنر درآمیخت و اثری ماندگار خلق کرد؛ اثری که وقتی «استیون هاوکینگ» آن را برای اولین‌بار می‌بیند، اشک از چشمانش جاری می‌شود.

به‌ظاهر غیرممکن، «ادی ردمان» تلاش بسیاری کرده است. او شش‌ماه را با «هاوکینگ» گذرانده است و تمامی فیلم‌ها و عکس‌های دوران زندگی او را از جوانی به دقت مشاهده و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده و مراحل مختلف نقش دشوار خود را مدت‌ها تمرین کرده است. او در این نقش واقعا می‌تواند برای هر بازیگری الگو باشد که می‌خواهد نقش دشوار به‌تصویرکشیدن مواردی از بیماری‌های نورولوژیک در سینما را بازی کند. چون او آنچنان از عهده این کار برمی‌آید که هیچ نورولوژیست کارآزموده‌ای نیز با دیدن فیلم نمی‌تواند کوچک‌ترین ایرادی از نظر منطق‌نبودن با واقعیت به آن وارد کند. «جیمز مارش» کارگردان انگلیسی فیلم که کارنامه درخشانی در مستندسازی چون «پروژه نیم» و «مردی روی سیم» دارد، هوشمندانه با چیره‌دستی هنرمندانه‌ای از عهده فضاسازی و ترکیب‌بندی صحنه‌ها و سکانس‌ها و هدایت بازیگران و حفظ ریتم فیلم برآمده است. فیلمبرداری فوق‌العاده با



عبدالرحمن نجل‌رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

به نظر من این اولین فیلم داستانی زندگی‌نگار است که بازیگری اینچنین ناباورانه سیر یک بیماری پیش‌رونده نورولوژیک را به نمایش می‌گذارد. «ادی ردمان» بازیگر جوان و تحسین‌شده تاتر و سینمای انگلیس در نقش «استیون هاوکینگ»، در فیلم «نظریه‌ای برای همه‌چیز» (ساخت ۲۰۱۴) موفق می‌شود تا روی پرده سینما شگفتی‌آفرین شود. از اولین جهش‌های عضلانی صورت و تغییر وضعیت بدنی و تغییرشکل حرکات تا افتادن اشیا از دست و علایم و نشانه‌های دیگر در طول فیلم که به صندلی چرخدار ختم می‌شود، شاهد بازی درخشانی از «ادی ردمان» در نقش «هاوکینگ» فیزیکدانی نابغه هستیم که از جوانی دچار بیماری فلج پیش‌رونده اعصاب حرکتی می‌شود. برای ممکن‌شدن این کار

نکته

کاریکاتور، رودرویی داعش

محمدعلی خُلق، کاریکاتوریست

هم آشکار می‌کند و آن این است که داعش برخلاف تبلیغات خود، گروهکی آمریکایی و غیردینی است. چطور می‌شود این گروه در زمان انتشار کاریکاتور توهین‌آمیز به ساحت پیامبراکرم(ص) سکوت کنند و حالا درباره انتشار یک کاریکاتور از داعش به خشم بیایند؟ مشکل جای دیگری است؛ اینکه داعش دست‌پرورده آمریکاست و تمام این فعالیت‌ها هم تنها جنبه آمریکایی و تفرقه‌افکنی میان مردم جهان دارد و بس.

مخالفان و موافقانی داشته و حتی اگر شاهد یورش طرفداران داعش به روزنامه‌ای هستیم که کاریکاتوری از سران این گروهک کشیده، نباید فکر کنیم که می‌تواند جلو تاثیرگذاری کاریکاتور را بگیرد. اتفاقا برعکس، وقتی که خبر حمله به این روزنامه فرانسوی را شنیدم، بیش از هرچیز به این فکر کردم که کاریکاتور تا چه حد می‌تواند رسانه‌ای تاثیرگذار در دنیای امروز باشد، با این‌همه، رفتار خشونت‌آمیز داعشیان در برابر این رسانه، یک واقعیت دیگر را

زبان کاریکاتور، زبان نقادی است و هرچه را که بخواهد نشان دهد، با همین زبان موردبررسی‌اش قرار خواهد داد. در حوزه کاریکاتورهای مطبوعاتی، از زمان شکل‌گیری داعش، بیش‌از صدها کاریکاتور در نقد این گروه‌ترویرستی کشیده‌ام و فکر می‌کنم چنین سوزه‌ای، در دنیای کاریکاتوریست‌ها هم به همین اندازه مهم و قابل‌توجه باشد چرا که همه می‌خواهند با هر ابزاری که در‌دست دارند، از فجایعی که این گروه در جهان به‌راه انداخته، انتقاد کنند. کاریکاتورها همیشه